

### اشارات نظر

**سایه هنر غزل سرایی خود را در سیاه مشق به شکلی تکامل یافته به نمایش گذاشته**

۲۸ مرداد و در گیرودار تلاش ملیون برای ملی کردن صنعت نفت.

سایه می گوید: «در آن زمان روزی مرتضی کیوان رو به من کرد و گفت: سایه متوجه هستی که شعرهای اجتماعی تو چقدر عاشقانه است؟» سایه هم پاسخ می دهد: «آره! تو هم متوجه هستی چقدر شعرهای عاشقانه من اجتماعی است؟!»

شاعر در اثری چون «سیاه مشق» توانایی هر چه تمام خویش را در سرودن غزل نمایان می کند. ابتهاج احساسات درونی و پرواز اندیشه خود را در غزل و دوبیتی به نمایش می گذارد. اما تأثراتی که از زندگی مردم و وضع اجتماعی آنان می پذیرد را بیشتر در قالب نو بیان می کند. پس در مجموعه «سیاه مشق» بیشتر شاهد احساسات لطیف، عاشقانه و شاعرانه او هستیم که بسیار از موسیقی نشأت گرفته و تأثیر پذیرفته است.

سایه در خاطراتش می گوید: «من غزل هایم را با آواز می سازم. کشش اولیه من به شعرگفتن به خاطر آواز بود. آواز برای من دو جنبه دارد: یکی اینکه به من فرصت تأمل و وررفتن با شعر را می دهد، به نظر من پست و بلند شعر با آواز معلوم می شود و نکته دیگه تسکین دهنده آواز برای من است. در لحظاتی من یک شعر را- حالا هر چه می خواهد باشد- می خوانم. واقعا وقتی آواز می خوانم آرام می گیرم. یادش به خیر همکلاسی ای داشتم، وقتی من نجوی خیابان آواز می خواندم می گفت: نخوان بگذار کیف کنیم! خیلی حرف قشنگی می زد!»

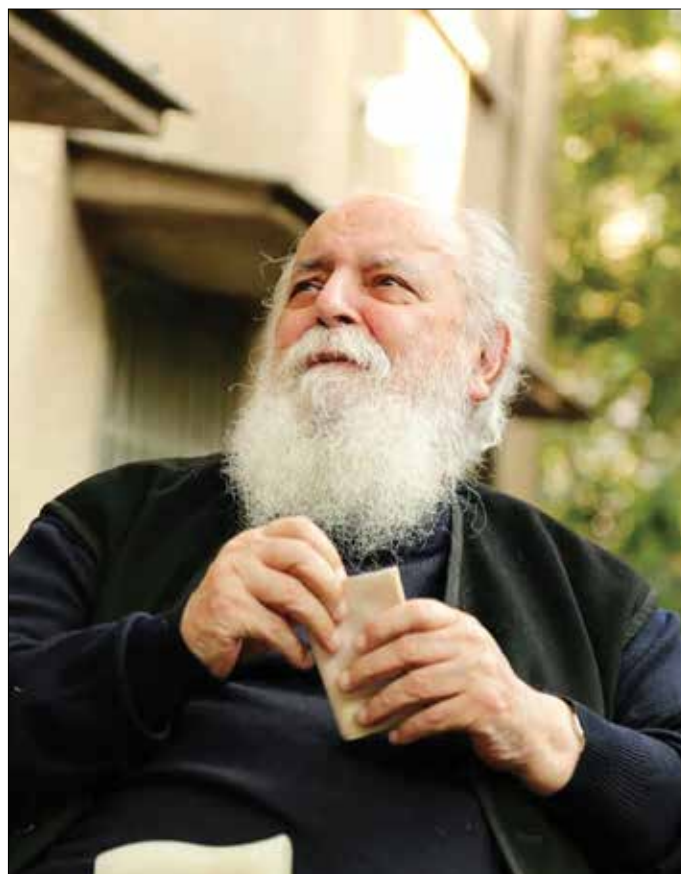
سایه در هر دو شیوه شعر سنتی و شعر نیمایی طبع آزمایی کرده است؛ بنابراین طبیعی است که غزل سرایی او از تبحرش در زمینه سرودن شعر نیمایی متأثر شود تا جایی که در شمار یکی از بهترین سرایندهگان غزل نو قرار گیرد. سایه خیلی زود به یکی از قله های غزل سرایی در شعر معاصر تبدیل شد، چنان که شهریار درباره او گفت: «سایه تمام غزل بعد از من است.» از سوی دیگر غزل چه سنتی باشد چه نو، یکی از انواع شعر است و می توان آن را در پنج حوزه عاطفه، زبان، تخیل، موسیقی و شکل بررسی کرد.

اشعار مجموعه «سیاه مشق» ضمن برخورداری از احساسی لطیف و شاعرانه، از نظر موسیقی و شکل ظاهری، همان حال و هوای غزل

شد. نسخه اصلی و اولیه کتاب شامل سروده های شاعر در سال های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ را در بر می گرفت.

سایه این کتاب را با این نوشته به دوستش محمد زهرایی تقدیم کرده است: «با یاد دوست از دست رفته محمد زهرایی که ذوق هنرمندانه اش در آرایش کتاب بی همتا بود.»

اگر به حافظه تاریخی خود رجوع کنیم و سری به سال های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ بزنیم، با حوادثی روبه رو می شویم که تاریخ ایران را دستخوش تغییر کرده است. برای درک بهتر نضج شعرهای سایه در «سیاه مشق» باید کمی به عقب تر برگردیم. شاید ده سال زمان برد تا ابتهاج جوان به این نتیجه برسد که در اوضاعی که کشور با بحران های ریز و درشت سروکار دارد و حکومت با وجود ضعف های فراوان، مخالفت ها را سرکوب می کند، می شود شعری گفت همراه و همقدم با مردم معترض. این گونه بود که سایه بعد از چاپ غزل هایش در مجلات، تغییری در رویه ادبی اش ایجاد و مجموعه «سراب» را منتشر کرد. تاریخ انتشار این کتاب در خرداد سال ۱۳۳۰ دو سال قبل از مجموعه «سیاه مشق» است. دو سال قبل از کودتای معروف



#### روح اله زمزمه شاعر و منتقد

«سیاه مشق» یکی از مجموعه شعرهای هوشنگ ابتهاج (سایه) در قالب کلاسیک است. این شعرها به ترتیب چینش در کتاب شامل پنج بخش غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی و قطعه هستند. صفحات پایانی کتاب شامل فهرستی است که در واقع شناسنامه اشعار محسوب می شود با ذکر سال، ماه و مکان سرودن هر شعر. اولین نسخه این کتاب در سال ۱۳۳۲ با ۳۶ غزل و در ۱۴۸ صفحه منتشر شد. اشعار این کتاب در قالب شعر کلاسیک فارسی سروده شده است. طی سال های بعد این اثر در قالب سیاه مشق ۱، ۲، ۳ و ۴ به صورت پراکنده توسط ناشرانی غیر از نشر کارنامه منتشر شد که هر یک دارای مجلدی جداگانه بود. اما نسخه کامل این مجموعه که شامل ۴ جلد است به همراه ۱۱ شعر جدید از این شاعر، برای اولین بار در سال ۱۳۷۸ توسط نشر کارنامه همه در یک جلد به چاپ رسید که آخرین نسخه آن، چاپ سی ام، در سال ۱۳۹۷ منتشر و به سرعت نایاب

#### شبگیر



چهارمین مجموعه شعر هوشنگ ابتهاج است که در سال ۳۲ منتشر می شود: دیگر این پنجره بگشای که من / به ستوه آمدم از این شب تنگ / دیرگاهی است که در خانه همسایه ما خواننده خروش / وین شب تلخ عبوس / می فشارد به دلم پای درنگ / دیرگاهی است که من در دل این شام سیاه / مانده ام چشم به راه / همه چشم و همه گوش: / مست آن بانگ دلاویز که می آید نرم / محو آن اختر شبتاب که می سوزد گرم / مات این پرده شبگیر که می باز درنگ...

#### تاسیان



این مجموعه شعر در سال ۸۵ منتشر شد و مجموعه شعرهای نو سایه است: خانه دل تنگ غروب خفه بود / مثل امروز که تنگ است دلم / پدرم گفت چراغ / و شب از شب پر بود / من به خودم گفتم / یک روز گذشت / مادرم آه کشید / زود بر خواهم گشت / ابری هست به چشمم لغزید / و سپس خواب برد / که گمان داشت که هست این همه درد / در کمین دل آن کودک خرد...

#### بانگ نی



این کتاب شامل یک شعر بلند به نام بانگ نی و چند شعر دیگر است که سال ۹۵ منتشر شد: باز بانگی از نیستان می رسد / غم به داد غم پرستان می رسد / بشنوید این شرح هجران، بشنوید / با نی نالنده همدستان شوید / بی شما این نای نالان بی نواست / این نواها از نفس های شماسست / آن نفس کاتش برانگیزد ز آب / آن نفس کاتش از آمد به تاب / آن نفس کز این شب نومیدوار / برگشاید خنده خورشیدوار / آن نفس کز شوق شورانگیزی / بردم از جان نی صد های و هی....